

صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مدیر مسئول: فرزانه طالقانی

سر دبیر: وحیده کلیدی

در این شماره می خوانید:

- ۲ تقدیر قصه دل من ناشیدنی است
- ۴ طاهر باش!! مقاله /زهرا صادق زاده
- ۸ معرفی سایت اسلام شناسی
- ۹ پاسخ به شبهات /معرفی سایت
- ۱۱ اسوه حسنه / شعر
- ۱۲ بانوی خوش خلق خانه!! مقاله /معصومه توانا
- ۱۶ نشان بزرگان /معرفی سایت
- ۱۷ سر تسبیح / مقاله / عذری درگاهی
- ۲۱ طب اسلامی / معرفی سایت
- ۲۲ برزخ فردای جاویدان / مقاله /محبوبه کاظمی
- ۲۵ مشاوره / معرفی سایت
- ۲۶ خاطره ای که ماندگار است /گزارش
- ۲۷ همایش گنجینه تفسیری امام صادق (ع) /گزارش
- ۲۸ یادزهری برای فتنه /مقاله /مریم شکری
- ۳۲ ادبی /معرفی سایت /داستان کوتاه
- ۳۳ خبر!
- ۲۶ قانون! آنچه باید بیپذیریم

مطالب تشریحی صرفاً اگر دیدگاه دین‌نگارنانه‌ای باشد

* فصلنامه اسلام شناسی از مقالات و آثار ثابت درج در فصلنامه استقبال می‌کند.

* فصلنامه در تئوری و صرف در مقالات آزادی باشد.

مرکز استاده از مطالب فصلنامه با ذکر منبع بلا مانع می‌باشد

آدرس: مشهد - خیابان چهارراه لشکر
امام خمینی ۴۸

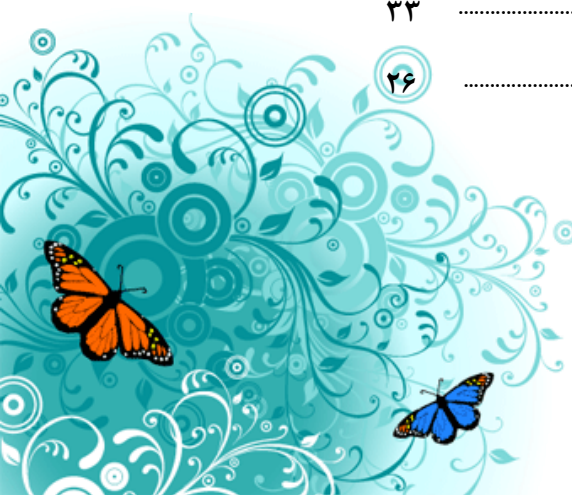
مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

تلفن: ۸۵۴۸۷۸۹ - ۸۵۲۵۲۵۱

نمابر: ۰۹۱۵۶۵۰۱۸۰۰۰ - پیامک: ۸۵۱۵۱۵۴

Eslamshenasi89@yahoo.com

www.islamshenasi.ir



بیت

باردیگر دست شیطانی مزدوران فتنه گر و دشمنان ملت و انقلاب و اسلام از آستین نخ نمای استکبار بیرون آمد و باز ملت شاهد جسارت و توهین به نظام و انقلاب از جانب به اصطلاح یاران خمینی (ره) گشت. آنان که روزی خود را فرزند انقلاب می دانستند و پیرو خط ولایت فقیه؛ امروز روبروی نظام فرار گرفته اند ...

اصلاً انگار بعضی افراد نوکر مآب و ذلیل اند که حاضرند دین و دنیای خود را ارزانی استعمارگران از خدا بی خبر کنند. انگار خودمان از عهده حکومت و نظاممان بر نمی آییم که عده ای غافل و بی دین نگران اوضاع و احوال زندگی ما شده اند ...

انگار خودمان عقل و علم و ایمان نداریم که زمام کشورمان را به دست یک مشت انسان پست و حریص جاه و مقام بسپاریم ...

یک روز در تاکسی صدای مخالفت بی منطق دو نفر را شنیدم بی عدالتی و بی انصافی شان برای نظام و ولایت فقیه و دلسوزان نظام دلم را به درد آورد که چه مظلومانه رهبری نظام را به سخره گرفته و چون خودشان ناراضی اند همه را ناراضی می دانند و چون نمی خواهند طعم آقایی و سروری را بچشند گویا دلشان برای نوکری و سر تا زانو خم کردن جلوی بیگانگان تنگ شده است ...

گفتم کم و کاست هست همه چیز روبراه نیست اما حداقل چیزی که داریم معرفت و مروت و مردانگی است که آن هم نتیجه اسلام و ایمان و اعتقاداتمان است ... گفتم این همه پیشرفت در علم و بهداشت و فناوری کم نیست..

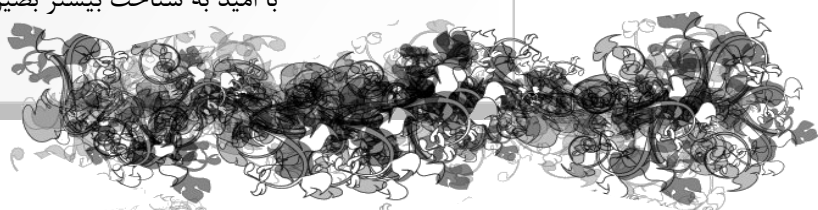
این نهایت بی انصافی است که مشکل بیکاری و گرانی را با توهین به نظام و رهبری و اسلام برابر کنیم ..

گفتم همین بادیه نشین ها و به تعبیر امام راحل پابرهنه ها که کمترین بهره مادی در جامعه از آنان است همیشه در صف اول حمایت و اطاعت از انقلاب و ولایت هستند و آنان که بیشتر بهره مادی برده اند گویا بیشتر طلبکارند ...

هر کس عادلانه با خود بیاندیشد نه تنها زبان به شکوه و گلایه نمی گشاید که پس از سی سال این همه پیشرفت های علمی و فرهنگی و سیاسی را تحسین نیز می کند ... بیاییم هر کدام گامی برداریم به بلندای همت خود تا کاستی هارا کم کنیم و بر عظمت و اقتدار کشورمان بیافزاییم دیگر گاه فروختن و پس دادن و تعظیم کردن نیست .. گاه سربلندی و افتخار است بس است تفرقه افکنی و نفاق ...

بیاییم هم رنگ ولایت و اعتقاداتمان گردیم بیاییم به جای حرف عمل کنیم و به جای توهین و سخره تحسین و تشویق کنیم تا نظاممان متعالی تر گردد و مشکلات جامعه مان روز به روز مرتفع تر شود ...

با امید به شناخت بیشتر بصیرت بالاتر و اندیشه متعالی تر.



تقدیر قصه ی دل من ناشنیدنی است...

دل را زبی خودی سر از خود رمیدن است
جان را هوا ی از قفس تن پریدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان
بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است

دستم نمی رسد که دل از سینه برکنم
باری علاج شکر گریبان دریدن است

شامم سیه تراست ز گیسوی سرکشت
خورشید من بر آی! که وقت دمیدن است

سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی
مرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است

بگرفت آب و رنگ ز فیض حضور تو
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است

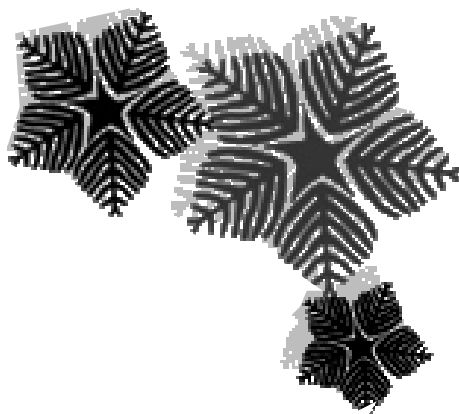
با اهل درد شرح غم خود نمی کنم

تقدیر قصه ی دل من ناشنیدن است

آن را که لب به دام هوس گشت آشنا
روزی (امین) سزا لب حسرت گزیدن است

مقام معظم رهبری (حضرت آیت الله خامنه ای)





اَللّٰهُمَّ خَوْلَانِي رَزَقْتَنِي زَيْدًا وَرَبِي ...
 اَللّٰهُمَّ خَوْلَانِي عَمَرْتَنِي طَوْلَانِي كَرَمًا ...
 اَللّٰهُمَّ خَوْلَانِي عَزَّزْتَنِي بِاَمْنِي
طاهر باش!

ای دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود.

طول عمر :

یکی از آثار پاکیزگی و طهارت در دنیا عمر طولانی است که چون این گونه افراد مورد محبت خدا و فرشتگان قرار دارند سزاوار چنین پاداشی هستند.^۱

حضرت رسول اکرم (ص) در نصایح خود به انس بن مالک می فرماید: (يَا اَنَسُ اَكْثَرُ مِنَ الطَّهْوَرِ يَزِيدُ اللّٰهَ فِي عُمْرِكَ : ای انس بسیار با پاکیزه و باطهارت باش که خدا بر عمرت می افزاید.)^۲

زهرا صادق زاده



دستورات دین مقدس اسلام درباره طهارت از کثیفی ها و آلودگی ها و پاکیزگی فردی ابعاد مختلفی دارد هر کدام آثاری در زندگی فرد به دنبال دارد. طهارت شرعی (وضوء ، غسل ، تیمم) علاوه بر این که مقدمه طهارت و پاکیزگی روحی است خود نیز به طور مستقیم آثار ارزنده

زیاد شدن روزی :

طهارت انسان در هر دو بخش ظاهری و باطنی آن موجب افزایش رزق است. اگر طهارت ظاهری باشد بر رزق ظاهری افزوده می شود و اگر طهارت باطنی باشد بر رزق باطنی افزوده می گردد. منتهی باید به نکته ای در بحث رزق توجه کرد و آن اینکه در اصطلاح عامه آن مقدار از امور مادی را که صرف خرج ظاهری بدن انسان می گردد که مورد نیاز اوست و کم و زیادی ندارد تعبیر به رزق می کنند زیرا باید حساب رزق و روزی را از حساب مال و مال داری جدا دانست چون اگر انسان کمتر از نیاز ظاهری خود مال به دست آورد و یا بیشتر از نیاز خود مال جمع آوری کند آن مقدار دیگر رزق او نخواهد بود.^۳

(فِي الْحَدِيثِ: إِنَّهُ شَكِيَ إِلَيْهِ رَجُلٌ قَلَّ الرِّزْقُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : أَدِمِ الطَّهَارَةَ يَدْمُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ: در روایت آمده است شخصی به پیامبر اکرم (ص) از کمی روزی شکایت کرد حضرت فرمودند: همیشه با طهارت باش تا روزی ات زیاد شود آن شخص دستور پیامبر را انجام داد و روزیش زیاد گردید.)^۴

نقش طهارت در تنظیم رزق :

آیا بین طهارت و تنظیم رزق نیز رابطه ای حقیقی برقرار است یا نه ؟ ببینیم چرا در روایات آمده است اگر طهارت ظاهری داشته باشید مطابق با رزق شما به شما روزی می دهیم؟ اگر طهارت باطنی داشته باشید، رزق شما توسعه پیدا می کند، این ها از جمله مسائلی است که باید در مباحث عرفانی مطرح شود .

طهارت هم تنظیم کننده رزق ظاهری است و هم موجب افزایش رزق معنوی .

اما طهارت هرگز رزق مادی را زیاد نمی کند، برای اینکه بدن کارخانه رزق مادی است و به مقدار ظرفیت هر بدنی به او رزق داده می شود. اما راجع به جان انسان ، در معرفت نفس فرمودند نفس ناطقه انسانی یک ظرفی است که هرچه در او غذای علم بریزید به مقدار همان غذا وسیع می شود. شما اگر یک ظرف مادی داشته باشید که به مقدار یک لیتر آب در آن جا بگیری، بعد از ریختن یک لیتر آب در آن پر خواهد شد و دیگر پذیرای مقدار بیشتری نخواهد بود و اگر هم بیشتر از ظرفیتش در آن آب بریزید از آن سرریز می کند. اما جان انسان که ظرف معنوی است می گوید : اگر به

من غذا بدهی این غذا را می گیرم و به اندازه همان وسیع تر می شوم و تشنه تر می گردم و از تو طلب بیشتر از آن را می کنم .

نفس انسان به گونه ای است که هرچه در آن علوم و معارف وارد کنید به همان مقدار وسیع تر می شود که این را به مقام (لایقنی النفس : بزرگ شدن نفس) تعبیر می فرمایند . خلاصه این که طهارت تنظیم کننده رزق ظاهری و موجب ازدیاد رزق باطنی است. دلیل آن نیز این است که چون در رزق ظاهری بدن مرزوق ، محدود است ،

طهارت ، وضو و پاکی این مقدار رزق را تنظیم کرده و به معلوم و مقسوم اوست در مقام دل و جانش به او می رساند و از آنجا که نفس غیرمتناهی است و هرچه بیشتر مرزوق

گردد بیشتر طلب می کند لذا موجب زیادی رزق در مرتبه طاهر نیز هست ، تا آنجا که نفس طهارت موجب تامین رزق زن و فرزند و مهمان های فرد طاهر نیز می گردد برخلاف افرادی که دائما بدنشان بی طهارت است و یا وضوء ندارند . چنین اشخاصی دائما گرفتارند مگر می شود کسی شب تا صبح با بدن جنب بخوابد و فردای آن شب روزی طلب کند ، چنین فردی مجبور است برای فراهم کردن غذا با هزاران زحمت دنبال گیرآوردن مال برود.^۵

عاقبت به خیری و پاداش

بی حساب :

یکی از توفیق های مهم در زندگی و سعادت بزرگ ، عاقبت به خیر شدن است و از چیزهایی که این توفیق را برای انسان به وجود می آورد

همیشه با طهارت بودن است.^۶ از دیگر آثار طهارت ظاهری پاداش و ثواب فراوانی است که نصیب پاکیزگان می گردد .

این پاداش به سبب محبوبیت آنان نزد خداوند است . به عنوان مثال امام صادق (ع) در مورد غسل روز عید غدیر خم فرمود : (کسی که در این روز دو رکعت نماز بخواند و در وقت ظهر غسل کند این عمل نزد خدا برابر است با ثواب صد هزار حج و صد هزار عمره .)^۷

عاقبت نیکو و خوب مردن آرزوی هر مسلمانی است . هر بنده ای دوست دارد در هنگام

مرگ خداوند از او راضی و خوشنود باشد و طهارت و پاکیزگی یکی از عواملی است که سبب این توفیق می شود.^۸

پیامبر اکرم (ص) می فرماید :
... إِنَّ اسْتَطَعْتُ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ

است. این عمل چون برای رضای خدا و جدا شدن از آلودگی های ظاهری است، خداوند آلودگی های درونی و گناهان را نیز با آن شسته و پاک می سازد.^{۱۲}

پی نوشت:

- ۱- علی اصغر الهامی نیا، اخلاق عبادی ص ۷۲
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۹
- ۳- داوود صمدی آملی، شرح مراتب طهارت، ص ۱۱۲
- ۴- محمد وحیدی، پاکی ها و ناپاکی ها در اسلام، ص ۱۷۲، رک بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۶
- ۵- داوود صمدی آملی، شرح مراتب طهارت، ص ۲۴ و ۲۵
- ۶- محمد وحیدی، پاکی ها و ناپاکی ها در اسلام، ص ۱۷۳
- ۷- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۶۱
- ۸- علی اصغر الهامی نیا، اخلاق عبادی ص ۷۲
- ۹- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۹
- ۱۰- نعمان بن محمد آل بیت، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۰۰
- ۱۱- نعمان بن محمد آل بیت، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۷۰
- ۱۲- همان، ص ۷۳

باشد که تکلیف به این امر (تطهیر) برای انجام عبادات و مناجات با آفریدگار از این جهت است که اعضای که امر به تطهیر آن ها شده، مباشر در امور دنیایی بوده و در تیره گیهای طبیعت مادی فرو رفته و از لیاقت ایستادن در پیشگاه خدای سبحان و اشتغال به عبادت بیرون رفته اند. پس به تطهیر آن ها امر شده تا از آن تیرگی ها و کدورت ها پاک شود و شایسته مناجات با خدای سبحان گردد.

در نتیجه جزء پاکان را در عرش خدا راهی نیست و برای نزدیکی به ذات حق چاره ای جزء پاکی و طهارت جسم و جان نمی ماند.^{۱۱}

کفاره گناهان:

اثر دیگر طهارت و پاکیزگی آمرزش و پاک شدن گناهان

فَأَفْعَلُ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مَتَّ عَلَى طَهَارَةٍ شَهِيداً : پیامبر (ص) می فرماید اگر می توانی تمام شب و روز را با طهارت باشی این کار را بکن زیرا زمانی که با طهارت هستی چنان چه مرگ به سراغت بیاید به منزله شهید خواهی بود.^۹

عرش خدا جای پاکان:

برتری مقام و منزلت و یافتن درجه و شوکت معنوی یکی دیگر از آثار طهارت است که در دو جهان نصیب پاکیزگان می گردد. رسول اکرم (ص) فرمود: (خداوند امت مرا در قیامت در حالی محشور می کند که بین امت های دیگر همچون نور می درخشند و این از آثار طهارت و پاکیزگی آن ها است).^{۱۰}

مؤمن عابد سزاوار است در هنگام تطهیر توجه داشته

معرفی بخش های مختلف سایت مدرسه

پاسخ به شبهات

نشان بزرگان

مشاوره

طب اسلامی



ثبت نام در سامانه پیامک

آشنایی ...

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها با تغییر ساختار سایت مدرسه از میلاد امام رضا علیه السلام (۸۹/۷/۲۷) با قسمتهای متنوع و مختلف بروز رسانی شده و در اختیار علاقمندان قرار می گیرد .
این سایت علاوه بر معرفی واحدهای مختلف مدرسه شامل مدیریت، آموزش پژوهش، فرهنگی، مبلغین، فارغ التحصیلان و... از بخش های متنوع دیگری چون پاسخ به شبهات، مشاوره، طب اسلامی، نشان بزرگان و صفحه ادبی نیز برخوردار است .
طلاب و عموم علاقمندان می توانند جدیدترین اخبار مدرسه و فعالیت های مرتبط با حوزه علمیه را در سایت جستجو نمایند، این سایت با فعالیت چهار کاربر مشغول به کار می باشد.
همچنین از این ترم نمرات درسی طلاب بر اساس کد طلبگی در بخش آموزش سایت مدرسه منتشر گردیده است .
در این شماره نشریه با خلاصه ای از بخش های مختلف سایت مدرسه آشنا خواهید شد .



www.islamsHENAsi.ir

پاسخ به شبهات

معرض سایت اسلام شناسی

در این قسمت از سایت عموم علاقمندان می توانند سوالات و شبهات مطروحه خود را در زمینه مباحث اعتقادی، اخلاقی، احکام و غیره بیان نموده و منتظر پاسخ های متفن اساتید باشند.

تفاوت حکم حکومتی ولی فقیه و فتوای فقها

یکی از سؤالاتی که پیرامون نظریه ولایت فقیه مطرح می شود این است که جایگاه مراجع تقلید و مجتهدین دیگر غیر از ولی فقیه، در نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه کجاست و آیا در صورت وجود ولی فقیه از یک سو و مراجع تقلید از سوی دیگر، تعارضی بین آنها وجود نخواهد داشت؟ آیا نتیجه و لازمه ولایت فقیه، پذیرفتن مرجعیت واحد و نفی مراجع تقلید دیگر است؟ اگر چنین نیست و از نظر این تئوری مردم می توانند علی رغم وجود ولی فقیه در جامعه، از اشخاص دیگری تقلید کنند، در صورت وجود اختلاف نظر بین ولی فقیه و مراجع تقلید، وضعیت جامعه چه خواهد شد و وظیفه مقلدین این مرجع چیست؟ و آیا می توان بین عمل به فتاوی مراجع تقلید و اطاعت از ولی فقیه جمع کرد؟ و سؤالاتی از این قبیل که باز هم مانند بحث قبلی، حقیقت و روح همه آنها به یک مسأله باز می گردد و آن «تبیین رابطه مرجعیت و ولایت فقیه» است و با روشن شدن این رابطه، پاسخ این پرسش ها و نظایر آنها معلوم خواهد شد.

برای تبیین «رابطه مرجعیت و ولایت فقیه» باید ماهیت تقلید و کار علما و مراجع تقلید و نیز ماهیت کار ولی فقیه و تفاوت بین آن دو، و به دنبال آن تفاوت بین حکم و فتوا معلوم گردد.

در بیان ماهیت مسأله تقلید و کار علما و مراجع باید بگوییم که کار مردم در مراجعه به علما و تقلید از آنان در مسائل دینی، از مصادیق رجوع غیر متخصص به متخصص و اهل خبره است که در سایر موارد زندگی بشر هم وجود دارد. توضیح این که: از آن جایی که هر فرد به تنهایی در تمامی امور سر رشته ندارد و کسب تخصص در همه زمینه ها برای یک نفر ممکن نیست بنابراین به طور طبیعی و بر اساس حکم عقل، انسان ها در مسائلی که در آن تخصص ندارند و مورد نیاز آنهاست به کارشناسان و متخصصان هر رشته مراجعه می کنند. مثلاً اگر کسی می خواهد خانه ای بسازد و خودش از بنایی و مهندسی سر رشته ای ندارد برای تهیه نقشه و بنای ساختمان، به معمار و مهندس و بنا مراجعه می کند. برای آهن ریزی آن به جوشکار ساختمان، و برای ساختن درهای اتاق و کمد های آن به نجار، و برای سیم کشی برق و لوله کشی آب و گاز نیز به متخصص های مربوطه مراجعه می کند و انجام این کارها را به آنها واگذار می کند. ویا وقتی بیمار می شود برای تشخیص بیماری و تجویز دارو به پزشک مراجعه می کند. و در همه این موارد، متخصصان مربوطه دستور انجام کارهایی را به او می دهند و او نیز اجرا می کند. مثلاً پزشک می گوید این قرص روزی سه تا، این شربت روزی دو قاشق، این کپسول روزی یکی و و بیمار هم نمی ایستد بحث می کند که چرا از این قرص؟ چرا از آن شربت؟ چرا این یکی روزی سه تا و آن دیگری روزی یکی و ...؟ نمونه هایی از این دست هزاران و صدها هزار بار به طور مرتب و روزانه در دنیا به وقوع می پیوندد و ریشه همه آنها نیز یک قاعده عقلی و عقلایی به نام «رجوع غیر متخصص به متخصص و اهل خبره» است. و این هم چیز تازه ای در زندگی بشر نیست و هزاران سال قبل در جوامع بشری وجود داشته است. در جامعه اسلامی نیز، یکی از مسائلی که یک مسلمان با آن سروکار دارد و مورد نیاز اوست مسائل شرعی و دستورات دینی است و از آن جا که خودش در شناخت احکام تخصص ندارد بنابراین به کارشناس و متخصص شناخت احکام شرعی، که همان علما و مراجع تقلید هستند، مراجعه می کند و گفته آنان را ملاک عمل قرار می دهد. پس اجتهاد در واقع عبارت است از تخصص و کارشناسی در مسائل شرعی؛ و تقلید هم رجوع غیر متخصص در شناخت احکام اسلام، به متخصص این فن است و کاری که مجتهد و مرجع تقلید انجام می دهد ارائه یک نظر کارشناسی است. این حقیقت و ماهیت مسأله تقلید است.

اما مسأله ولایت فقیه، جدای از بحث تقلید واز باب دیگری است. این جا مسأله حکومت و اداره امور جامعه مطرح است. ولایت فقیه این است که ما از راه عقل یا نقل به این نتیجه رسیدیم که جامعه احتیاج دارد یک نفر در رأس هرم قدرت قرار بگیرد و در مسائل اجتماعی حرف آخر را بزند و رأی و فرمانش قانوناً مطاع باشد. بدیهی است که در مسائل اجتماعی جای این نیست که هر کس بخواهد طبق نظر و سلیقه خود عمل کند بلکه باید یک حکم و قانون جاری باشد و در غیر این صورت، جامعه دچار هرج و مرج خواهد شد. در امور اجتماعی نمی شود برای مثال یک نفر بگوید من چراغ سبز را علامت جواز عبور قرار می دهم و دیگری بگوید من چراغ زرد را علامت جواز عبور می دانم و سومی هم بگوید از نظر من چراغ قرمز علامت جواز عبور است. بلکه باید یک تصمیم واحد گرفته شود و همه ملزم به رعایت آن باشند. در همه مسائل اجتماعی، وضع چنین است. بنابراین، ولی فقیه و تشکیلات و سازمان ها و نهادهایی که در نظام مبتنی بر ولایت فقیه وجود دارند کارشان همان کار دولت ها و حکومت هاست؛ و روشن است که کار دولت و حکومت صرفاً ارائه نظر کارشناسی نیست بلکه کار آن، اداره امور جامعه از طریق وضع قوانین و مقررات و اجرای آنهاست. به عبارت دیگر، ماهیت کار دولت و حکومت، و در نتیجه ولی فقیه، ماهیت الزام است و حکومت بدون الزام معنا ندارد. و این برخلاف موردی است که ما از کسی نظر کارشناسی بخواهیم، مثلاً وقتی بیماری به پزشک مراجعه می کند و پزشک نسخه ای برای او می نویسد یا می گوید این آزمایش را انجام بده، بیمار هیچ الزام و اجباری در قبال آن ندارد و می تواند به هیچ یک از توصیه های پزشک عمل نکند و کسی هم حق ندارد به جرم نخوردن داروی پزشک یا انجام ندادن آن آزمایش او را جریمه کند یا به زندان بیفکند.

پس از روشن شدن ماهیت کار مجتهد و ولی فقیه و تفاوت آن دو، اکنون می توانیم ماهیت هر یک از «فتوا» و «حکم» و تفاوت آن ها را نیز بیان کنیم. «فتوا دادن» کار مجتهد و مرجع تقلید است. مرجع تقلید به عنوان کارشناس و متخصص مسائل شرعی برای ما بیان می کند که مثلاً چگونه نماز بخوانیم یا چگونه روزه بگیریم. بنابراین «فتوا عبارت است از نظری که مرجع تقلید درباره مسائل و احکام کلی اسلام بیان می کند». به عبارتی، کار مرجع تقلید مانند هر متخصص دیگری، ارشاد و راهنمایی است و دستگاه و تشکیلاتی برای الزام افراد ندارد. او فقط می گوید اگر احکام اسلام را بخواهید این ها هستند اما این که کسی به این احکام عمل کند یا نه، امری است که مربوط به خود افراد می شود و ربطی به مرجع تقلید ندارد. آن چه از مرجع تقلید می خواهیم این است که «نظر شما در این مورد چیست؟» اما نسبت به ولی فقیه مسأله فرق می کند. آن چه از ولی فقیه سؤال می شود این است که «دستور شما چیست؟» یعنی کار ولی فقیه نه فتوا دادن بلکه حکم کردن است. «حکم» عبارت از فرمانی است که ولی فقیه، به عنوان حاکم شرعی، در مسائل اجتماعی و در موارد خاص صادر می کند.

به عبارت دیگر، فتاوی مرجع تقلید معمولاً روی یک عنوان کلی داده می شود و تشخیص مصادیق آنها بر عهده خود مردم است. مثلاً در عالم خارج مایعی به نام «شراب» وجود دارد. «شراب» یک عنوان کلی است که در خارج مصادق های متعدد و مختلفی دارد. مرجع تقلید فتوا می دهد که این عنوان کلی، یعنی شراب، حکمش این است که خوردن آن حرام است. حال اگر فرض کردیم یک مایع سرخ رنگی در این لیوان هست که نمی دانیم آیا شراب است یا مثلاً شربت آلبالوست، در این جا تشخیص این موضوع در خارج، دیگر برعهده مرجع تقلید نیست و حتی اگر هم مثلاً بگوید این مایع شربت آلبالوست، سخن او برای مقلد اثری ندارد و تکلیف شرعی درست نمی کند، و این همان عبارت معروفی است که در فقه می گویند «رأی فقیه در تشخیص موضوع، حجیتی ندارد.» و اصولاً کار فقیه این نیست که بگوید این مشروب است؛ آن شربت آلبالوست؛ بلکه همان گونه که بیان شد او فقط حکم کلی این دو را بیان می کند که «خوردن مشروب حرام و خوردن شربت آلبالو حلال است» و هر مقلدی در مواردی که برایش پیش می آید خودش باید تشخیص بدهد که این مایع، شربت آلبالو و یا مشروب است. یا مثلاً فقیه فتوا می دهد «در صورت هجوم دشمن به مرزهای سرزمین اسلام اگر حضور مردم در جبهه برای دفع تجاوز دشمن کفایت کرد حضور زن ها لازم نیست اما اگر حضور مردها به تنهایی کافی نباشد بر زن ها واجب است در جبهه و دفاع از حریم اسلام شرکت کنند.» کار مرجع تقلید تا همین جا و بیان همین حکم کلی است اما این که در این جنگ خاص یا در این شرایط خاص آیا حضور مردها به تنهایی برای دفاع کافی است یا کافی نیست، چیزی است که تشخیص و تصمیمش با خود افراد و مقلدین است. اما ولی فقیه از این حد فراتر می رود و این کار ها را خودش انجام می دهد و بر اساس آن تصمیم می گیرد و فرمان صادر می کند و کسی هم نمی تواند بگوید که کار ولی فقیه فقط بیان احکام است اما تشخیص با خود مردم است پس تشخیص او برای من حجیت ندارد؛ بلکه همه افراد ملزمند که بر اساس این تشخیص عمل کنند. مثلاً ولی فقیه حکم می کند که در حال حاضر حضور زنان در جبهه لازم است؛ در چنین فرضی حضور زن ها در جبهه ها شرعاً واجب می شود. این، همان چیزی است که گاهی از آن به «احکام حکومتی» یا «احکام ولایتی» تعبیر می کنند که باز هم به همان تفاوت میان «فتوا» و «حکم» اشاره دارد. در این جا تذکر این نکته لازم است که در عرف ما بسیار رایج است که به «فتوا» و رأی یک مجتهد در یک مسأله، اطلاق «حکم» می شود و مثلاً می گوئیم «حکم نماز این است» یا «حکم حجاب این است»، ولی باید توجه داشت که کلمه «حکم» در این گونه موارد، اصطلاح دیگری است و نباید با اصطلاح «حکم» که در مورد ولی فقیه به کار می بریم اشتباه شود.


ای جان جهان بسته به یک نیم نگاهت
دل گشته چو گل سبز به خاک سر راهت
هم بام فلک پایگه قدر و جلالت
هم چشم ملک خاک قدم های سپاهت
عیسی به شمیم نفست روح گرفته
دل بسته دو صد یوسف صدیق به چاهت
دل های خدایی همه چون گوی به چوگان
ارواح مکرم همه درمانده ی جاهت
از عرش خداوند الی فرش، به هر آن
هستند همه عالم خلقت به پناهت
دائم صلوات از طرف خالق و خلقت
بر روی سفید تو و بر خال سپاهت
زیباتر و بالاتری از آنکه به بیستی
تشبیه به خورشید کنم یا که به ماهت
سوگند به چشمت که رسولان الهی
هستند به محشر همه مشتاق نگاهت
زیبید که کند ناز به گلخانه ی جنت
خاری که شود سبز در اطراف گیاهت
این نیست مقام تو که آدم به تو نازد
عالم به تو خلاق دو عالم به تو نازد

رسوله رسول الله



بانی و شریک

عزت اله



معصومه توانا

عبادت و اطاعت از پروردگار طرحی مشخص داشته باشند در این راه بسیار موفق خواهند بود. زن نباید تمام وقت خود را به خوش گذرانی و گردش و دید و بازدید بگذراند. زن مسلمان علاوه بر اینکه خودش راه پرهیزگاری را در پیش می‌گیرد، باید همسر و فرزندان خود را نیز به این امر راهنمایی کند (زن باید زمینه لازم برای تکامل همسر و فرزندان خویش را فراهم سازد چون یکی از مهمترین اهداف ازدواج، کامل

ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»؛ «هر کس از یاد خدا روی گردان شود، شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس همواره قرین اوست.» و در جایی دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا»؛ «و کسی که شیطان قرین او باشد بد همنشین و قرینی است.» اگر زنان در زندگی خود برنامه‌ریزی داشته باشند و در این برنامه برای وظایفی چون امورات منزل، همسر، فرزندان،

بالا بردن سطح ایمان و تقوا در خانواده مهمترین وظیفه هر زن و مرد و کاربردی ترین ابزار برای رسیدن به سعادت، آرامش و خوشبختی است، چون هرگاه خداوند در زندگی انسان فراموش شده است مشکلات فراوان گریبانگیر انسان می‌شود و همراهی شیطان با او سبب شده است تا نادرست‌ترین راهها را برای رسیدن به اهدافش انتخاب کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ

خوش اخلاق پاداش جهاد کننده در راه حق را هدیه می کند. امام صادق (ع) می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُعْطِيَ الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِيَ الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۸؛ «خداوند به انسان خوش اخلاق ثواب جهاد در راه خدا را عنایت می کند.»

زن می تواند با اخلاق پسندیده و رفتار ملایم و همراه با آرامش محیطی دلپذیر برای تک تک افراد مخصوصاً همسر خویش در خانواده فراهم سازد یک زن شایسته باید بسیار توجه کند که مبدا خانواده خویش را از خلق نیکوی خود محروم سازد چون این عمل وی موجب پرخاشگر شدن فرزندان می شود و قبل از آن بدخلقی و تندخویی همسر را به دنبال خواهد داشت.

پیامبر اکرم (ص) درباره آثار خوش اخلاقی و بد اخلاقی می فرمایند: «حُسْنُ الْمَلَكَهٖ يُمْنٌ وَسَوْءُ الْخُلُقِ شُوْمٌ»^۹؛ «تیک منشی مایه رشد و برکت است و بد اخلاقی مایه شوم و

داشتن اخلاقی نیکو است. اسلام همواره پیروانش را به خوش رفتاری و ملایمت با دیگران سفارش می کند و آنان را از برخورد تند باز می دارد.

پیامبر اکرم (ص) در رابطه با خوش خلقی می فرمایند: «إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ يُذِيبُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ»^{۱۰}؛ «بی گمان منش نیکو (خوش خلقی) گناه را ذوب می کند همان طور که آفتاب یخ را.»

«خوش خلقی از رموز خوشبختی و از عوامل پایداری خانواده و ایجاد صمیمیت و محبت در خانواده است»^{۱۱}

خوش اخلاقی نزد خداوند آنقدر پراهمیت است که در روز قیامت اول از همه، مورد حسابرسی قرار می گیرد چنانکه پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می فرماید: «أَوْلُ مَا يُوَضَّعُ فِي الْمِيزَانِ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْنُ خُلُقِهِ»^{۱۲}؛ «اولین چیزی که در قیامت در ترازوی اعمال او می گذارند اخلاق نیک اوست.»

هر عمل نیک و هر صفت نیکو و رفتار حسنه ای نزد خداوند پاداشی عظیم دارد و بنابراین خداوند متعال به انسان

شدن انسان است»^{۱۳} البته قدم گذاشتن در راه راست آسان است اما ماندن و استقامت در آن سخت است و نیاز به تلاش بسیار دارد. خداوند به کسی که در راه حق استقامت می ورزد مژده می دهد که: «...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^{۱۴}؛ «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می کند.»

زن مؤمن محبتش نسبت به همسر پابرجا و ماندنی است چون زن باتقوا دلش رئوف تر صبرش بیشتر نوع تفکرش عاقلانه تر و مدیریت فکری و اقتصادی اش بهتر و همسررداری او نیز طبق دستورات الهی خواهد بود و وسیله ای برای ایجاد یک خانواده اسلامی است که از درون این خانواده فرزندان صالحی وارد جامعه خواهند شد.

مؤثرترین راه برای تأثیر و تغییر در دیگران و حفظ بنیان خانواده،

عقب ماندگی»

برخی زنان هستند که در ارتباط با دیگران صمیمی و خوش رفتارند اما با اعضای خانواده خود سرد و خشن هستند. در حالی که محیط خانواده بیش از دیگران نیازمند ابراز صمیمیت و محبت است، چون «بنای خانواده بر احساس و عاطفه بنا شده است، محیط خانواده جایگاهی است که در آن نیروهای تحلیل رفته ترمیم می گردد و در محیط خشن به این هدف نمی توان رسید.»^{۱۰}

گاهی اوقات یک خانه از همه امکانات رفاهی سرشار است اما زن در آن خانه کج خلق و تندخو است پس خانه به جهنمی سوزان تبدیل می شود و از طرفی خانه ای بدون امکانات با اخلاق نیکوی زن به بهشتی دلپذیر تبدیل می گردد.

«از جنبه های خوش خلقی زن، مزاج و شوخی کردن اوست و این کار برای زن نوعی زیبایی و جمال است. اومی تواند با خنده و خوشرویی انرژی مثبت و روحیه شاد را به همسرش منتقل کند و خستگی های روزمره را از او دور سازد. باید توجه داشت که این مزاج و شوخی در حد زدودن غم و

اندوه از محیط خانه باشد و به جسارت و سخنان دور از ادب کشیده نشود.»^{۱۱} از دیگر جنبه های خوش خلقی زیبایی بیان است و در مقابل آن پرخاشگری و بدزبانی و اهانت و... قرار دارد که زندگی را تلخ می سازد. زن نباید با هیچ وسیله ای شوهر خویش را بیازارد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِرْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَقَامَتْ لَيْلَهَا وَأَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَحَمَلَتْ عَلَيَّ جِيَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَانَتْ أَوْلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِمًا»^{۱۲}

هر زنی که همسر خود را با زبانش اذیت کند، خداوند عدالت و حسنه ای از عملش را قبول نمی کند تا اینکه همسرش را راضی کند و اگرچه که روز را روزه بگیرد و شب را شب زنده داری کند و بندگان را آزاد کند و به لشگری بزرگ از دشمنان در راه خدا حمله کند. و اولین کسی است که وارد جهنم (آتش) می شود و مردان نیز

اگر ظلم به زنان کنند اینگونه اند. خوش خلقی زن در محیط خانواده، نه تنها مرد را به زندگی دلگرم می کند بلکه موجب خوش رفتاری او با زن نیز می شود. بنابراین خانه به محیطی آرام و امن تبدیل می شود و تربیت فرزندان در چنین محیطی با این والدین بسیار بهتر خواهد بود و فضایل اخلاقی در ایشان بسیار استوارتر است. پس استعدادهایشان در حد اعلا به شکوفایی می رسد چون به ارزشها و افتخارات و استعدادهای آنان بها داده می شود

از امام صادق (ع) سؤال شد حد و مرز خوش اخلاقی چیست؟ ایشان فرمودند: که اطرافیان را آزار ندهی، هم نشینان را اذیت نکنی، پاکیزه کلام باشی سخنان تند و خشن نگوئی و برادرانت را بشاش و خندان دیدار نمایی.^{۱۳}

اگر زن با روی باز و اخلاق نیکو در انتظار رسیدن شوهر به منزل باشد در مقابل، شوهر او نیز برای رسیدن به خانه و قرار گرفتن در جوار محبوب لحظه شماری می کند. بسیاری از مردان به دلیل بد خلقی زن و ترش رویی و بدزبانی و زبان درازی او، از خانه گریزان شده و به

دوستی‌های نامشروع و حتی اعتیاد به مواد مخدر روی می‌آورند و زندگی را به کام همه اعضای خانواده تلخ می‌کنند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «شَرُّ نِسَائِكُمُ الْجَفَّةُ الْفَرْتَعُ الْبَافُوقُ الْفَحَّاشُ»^{۱۴}؛ «بدترین زنان شما زنی است که کم‌حیا، ترش‌رو، زبان دراز و بد زبان باشد.» مسأله‌ای که باید مطرح نمود آن است که زن در مقابل همسری که به مسائل مذهبی مقید نیست باید به نحوی خوش‌خلقی کند که مرد به دین راغب شود نه اینکه خوش‌رفتاری او نوعی تأیید کار شوهر شمرده شود. اگر زن به زندگی و شوهرش علاقه‌مند است باید اخلاق خوب را پشتوانه‌ای برای پیمان مقدس زناشویی قرار دهد.

ازدواج پیمان مقدسی است که نزد خداوند بسیار ارزش و اهمیت دارد. «ازدواج مطلوب‌ترین فرصت برای زیباترین تلاقی چشم‌ها، گیراترین تبادل کلام‌ها، پرجاذبه‌ترین رفتارها، همسوترین اندیشه‌ها و استوارترین کلام‌ها و پر رمز و رازترین محرمانیت‌ها است.»^{۱۵}

هر زن و مردی باید تمام تلاش خود را به‌کار گیرند تا این عقد آسمانی را به مقدس‌ترین مستحبات تبدیل کنند که خوش‌اخلاق بودن نمونه‌ای از بارزترین راهکارها برای حفظ و استحکام ازدواج است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلَطْفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلَطْفُكُمْ بِأَهْلِي»^{۱۶}؛ «مؤمن‌ترین مردم کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خوش‌خلق‌تر و بیشتر از همه نسبت به آنها لطف و محبت نمایند و من بیشتر از شما به خانواده‌ام لطف و مهربانی دارم.» هرگاه در خانواده‌ای سعی بر آن شود که رعایت تقوا سرلوحه اعمال انسان باشد، نه تنها ارتباط بین زن و شوهر بسیار عاطفی و محبت‌آمیز و سرشار از عشق است بلکه رابطه فرزندان با هم و والدین با فرزندان نیز مبتنی بر آرامش و احترام خواهد بود و زن نقش بسیار تأثیرگذاری در این زمینه ایفا می‌کند.

پی نوشت :

- ۱- سوره زخرف (۴۳) آیه ۳۶.
- ۲- سوره نساء (۴) آیه ۳۸.
- ۳- رک: علی، قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۱۱۹.
- ۴- سوره طلاق (۶۵) آیات ۳-۲.
- ۵- علی، کرمی فریدنی، نهج الفصاحه، ص ۱۶۴.
- ۶- آمنه، پورامینی، راههای کسب آرامش در خانواده، ص ۳۵.
- ۷- محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۵.
- ۸- همان، ص ۳۷۷.
- ۹- علی، کرمی فریدنی، نهج الفصاحه، ص ۲۶۷.
- ۱۰- مجید، رشیدیور، عوامل استحکام خانواده، ص ۳۸.
- ۱۱- آمنه، پورامینی، راههای کسب آرامش در خانواده، ص ۳۷.
- ۱۲- محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳.
- ۱۳- حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران (۱۳۹۰هـ ق)، ج ۴، ص ۴۱۲.
- ۱۴- محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۱.
- ۱۵- غلامعلی، افروز، مبانی روانشناختی ازدواج، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۸۰، ص ۵.
- ۱۶- محمدحسن، حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۸، ص ۵۰۷.

نشان بزرگان

در این قسمت از سایت با رهنمودها، فرمایشات اخلاقی علما و بزرگان اندیشه بهره مند می گردید. تاکنون مطالب زیادی از آیت الله بهجت، جناب شیخ جعفر مجتهدی آیت الله طباطبایی، وصایای شیخ حسنعلی نخودکی رهنمودهای آیت الله کشمیری، آیت الله سید علی قاضی و... منتشر گردیده است.



www.islamshenasi.ir

برای دنیایتان هم که شده سحرها بیدار شوید!

رهنمود آیت الله شاه آبادی:

آیت الله نصرالله شاه آبادی نقل می کنند:

موضوع دیگری که مرحوم والد به آن عنایت ویژه ای داشتند و آن را در قرب به حق مؤثر می دانستند، بیداری شب و سحر خیزی بود... می فرمودند:

" اگر برای نافله ی شب بیدار شدید برای نافله خواندن آمادگی روحی ندارید، بیدار بمانید. بنشینید، حتی چای بخورید. انسان بر اثر همین بیداری، آمادگی برای عبادت را پیدا می کند." همچنین می فرمودند:

" بیداری سحر، هم برای مزاج مادی مفید است و هم برای مزاج معنوی."

در منبرهایشان مکررا می فرمودند:

"برای دنیایتان هم که شده، سحرها بیدار شوید. چون بیداری سحر، وسعت رزق، زیبایی چهره و خوش اخلاقی می آورد."



سر تسبیح!

عذری درگاهی

آسمان و زمین نیز مانند دیگر مخلوقات الهی به تسبیح حضرت حق مشغولند، که این تسبیح را می‌توان از آنچه که در آیه ۴۴ سوره اسراء بیان شده است که «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ...» به آن پی برد، چنانچه در

کتاب شرح خطبه‌ی حضرت زهرا (س) آمده است که «فارابی در فصوص الحکم می‌گوید:

۱۷

«آسمان به حرکت خویش ستایش ایزد متعال را می‌کند و به ذکر اوصاف جمال و کمال حق مشغول است و زمین به حرکت دائمی و آب به جریان و باران به ریزش تند خود نماز می‌گذارد و تو نیز بدون اینکه متوجه باشی نمازگذار او هستی و بی‌شبهه ذکر خدا بزرگتر است.»^۱

در تفسیر نمونه در توضیح پیرامون آیه‌ی «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۲ آمده است که «چرا تسبیح او نگویند و از هر عیب و نقصی منزهِش شمرند با این که «او قادری است شکست‌ناپذیر و حکیمی است، آگاه از همه چیز».

توجه به مسأله تسبیح و حمد عمومی موجودات که با زبان حال و قال صورت می‌گیرد

و نظام شگفت‌انگیز حاکم بر آنها که بهترین دلیل بر وجود خالق عزیز و حکیم است، پایه‌های ایمان را در قلوب مستحکم می‌سازد و راه را برای فرمان جهاد استوار می‌کند.^۲

تسبیح جمادات از دیدگاه روایات

در روایاتی که از پیامبر(ص) و ائمه اهل بیت رسیده، تعبیرات جالبی در این زمینه دیده می‌شود، از جمله:

یکی از یاران امام صادق(ع) می‌گوید: «از تفسیر آیهی «و...و این من شیءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ...» سؤال کردم، امام(ع) فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ و اِنَّا لَنَرِیْ اِنْ یَنْقُصُ الْجَدَارُ و هُم تَسْبِیْحُهَا»: آری هر چیز تسبیح و حمد خدا می‌گوید، حتی هنگامی که دیوار می‌شکافد و صدایی از آن به گوش می‌رسد، آن نیز تسبیح است.»^۵

مرا بشوی، عرض کرد: ای رسول خدا دیروز شستم، فرمود: «إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ الثَّوْبَ یُسَبِّحُ فَاِذَا اتَّسَعَ انْقَطَعَ تَسْبِیْحُهُ»: آیا نمی‌دانی که لباس نیز تسبیح خدا می‌گوید و هنگامی که چرک آلوده

شود، تسبیحش قطع می‌شود.»^۶ امام صادق(ع) از

امام باقر(ع) بیان می‌کنند: «مردی بر پدرم وارد شد و گفت: پدرم و مادرم فدایت باد، من می‌بینم خدای تعالی در کتابش می‌فرماید: «و اِنْ مِنْ شَیْءٍ

إِلَّا یُسَبِّحُ و بِحَمْدِ وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِیْحَهُمْ» این چگونه است؟ پدرم فرمود: درست است، پرسید یعنی می‌فرمایید درخت خشکیده خدا را تسبیح می‌گوید، فرمود: آری مگر نشنیدی چوبهایی را که در خانه‌ها بکار رفته چگونه به صدا در می‌آید؟ این همان تسبیح چوب خشک است که می‌گوید «سُبْحَانَ اللَّهِ عَلٰی كُلِّ حَالٍ»^۷

و حدیث دیگر آمده که «...: ما بارها شد

که خدمت رسول خدا(ص) نشستیم، تا غذا

بخوریم صدای تسبیح از غذایی که رسول خدا

در حدیث دیگری می‌خوانیم که «یک روز

پیامبر(ص) نزد عایشه آمده و فرمود: این دو لباس

می‌خورد می‌شنیدیم، این را نیز بودم که مکرز علامه طباطبایی می‌فرمایند که
 عامری از آن جناب معجزه‌ای خواست، حضرت «موجودات همه تسبیح دارند و تسبیح آنها
 دانه ریگ در دست گرفت و از آنها خواست تا کلام هم هست و به حقیقت هم کلام است نه
 خدا را تسبیح گویند و ما شنیدیم که ریگها به مجاز و کلام موجودات عبارت است از پاک
 تسبیح گفتند.»^۸ دانستن و مقدس شمردن خدا از احتیاج و

و نیز آمده که «وقتی ریگ‌ها را بر نقص باین طریق که احتیاج و نقص ذات و
 زمین می‌گذاشتند (رسول خدا (ص))، ریگها صفات و افعال خود را نشان می‌دهند تا همه
 ساکت می‌شد و چون در دست آن جناب قرار پی‌ببرند که پروردگار عالم چنین نیست و منزه
 می‌گرفت، مشغول تسبیح می‌شد»^۹ است و چون این کار را از روی علم هم می‌کنند

امام زین‌العابدین (ع) روایت کرده که لذا عمل ایشان عین کلام خواهد بود»^{۱۱} و
 «رسول خدا وقتی در مدینه به خطبه همچنین در تفسیر نمونه آیت الله مکارم
 می‌ایستاد، به یکی از ستون‌های مسجد تکیه شیرازی بیان می‌دارند که «مجموعه این روایات
 می‌کرد و چون برایش منبری ساختند و نشان می‌دهند که این حکم تسبیح موجودات،
 حضرت برای اولین بار بالا رفت، همه شنیدند همه چیز را بدون استثناء در بر می‌گیرد و همه
 که آن ستون به ناله درآمد، همان طور که شتر اینها با تسبیح به معنی زبانحال و تکوین کاملاً
 فریاد می‌زند، چون دوباره نزد ستون آمد و سازگار است و این که در این روایات خواندیم
 دست بر او کشید، عین بچه‌ای که از گریه هنگامی که لباس آلوده و کثیف می‌شود، تسبیح
 ساکت شود، آرام شد.»^{۱۰} آن قطع می‌گردد، ممکن است اشاره باین باشد

که موجودات تا چهره پاک طبیعی دارند، انسان را به یاد خدا می‌اندازند، اما هنگامی که چهره پاک طبیعی خود را از دست دادند، دیگر آن یادآوری از بین می‌رود.^{۱۲}»

پس این روایاتی که بیان شد، صدائی که می‌شنیدند با درک باطنی بود که تسبیح واقعی و حقیقت معنای آن را از طریق باطن درک می‌کردند و حس هم چیزی نظیر آن و مناسب با آن حکایت می‌کرده، گوش هم الفاظ و کلماتی که این معنا را افاده کند، احساس می‌نموده است.^{۱۳}»

از مجموعه‌ی این گفتار می‌توان به این نتیجه رسید که تسبیح، از آن همه‌ی مخلوقات می‌باشد که مفسرین برداشت‌های مختلفی از این تسبیح دارند و هریک تسبیح را به خصوص تسبیح نباتات و جمادات را بگونه‌ای تفسیر می‌کنند و دیدگاه خاصی پیرامون آنها دارند.

پی نوشت :

- ۱- عزالدین حسینی زنجانی، شرح خطبه‌ی حضرت زهرا (س)، ج ۱، ص ۴۴
- ۲- حشر/ ۱ و صف/ ۱
- ۳- ناصر مکارم شیرازی (همکاران)، همان، ج ۲۴، ص ۷۳
- ۴- جمعه/ ۱
- ۵- سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۲۵، ص ۲۰۷، و رک به نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۶۸
- ۶- همان، ص ۲۰۷ و ناصر مکارم شیرازی (همکاران)، همان، ج ۱۲، ص ۱۳۹، و رک به میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۳۰۳
- ۷- همان، ص ۲۰۸ و نفیسه فیاض بخش، همان، ص ۱۰۹
- ۸- همان، ص ۲۱۰
- ۹- همان، ص ۲۱۱
- ۱۰- همان
- ۱۱- همان
- ۱۲- ناصر مکارم شیرازی (همکاران)، همان، ج ۱۲، ص ۱۳۹
- ۱۳- سید محمد حسین طباطبایی، همان، ص ۲۱۱

طب اسلامی

در این قسمت از سایت که با استقبال زیادی روبرو گردیده است در رابطه با مزاج ها تاثیر گیاهان دارویی بر سلامت انسان و سفارش ائمه در درمان و مداوای بیماری ها مطالب متنوعی منتشر گردیده است و تاکنون خواص بسیاری از میوه ها همچون انار، توت فرنگی، لیمو ترش و نوشیدنی های گیاهی فرح بخش، خواص برخی گیاهان مثل گزنه، نعناع، چای، خرما و... بیان گردیده همچنین بخش پاسخگویی به سوالات علاقمندان در رابطه با مداوای بیماری ها نیز فعال می باشد.



انار میوه بهشتی

پیامبر خدا (ص): انار، مهتر همه میوه ها ست و هر کس یک انار بخورد
چهل پگاه شیطان خویش را به خشم می آورد (۱)
پیامبر خدا (ص): هر کس اناری بخورد خداوند قلب او را چهل شب نورانی
می دارد (۲)
امام صادق (ع): بر شما باد انار شیرین آن را بخورید چرا که هیچ دانه ای از
آن به معده مومن نمی رسد مگر این که بیماری از آن ریشه کن می شود
و شیطان وسوسه را از او دور می سازد (۳)
امام صادق (ع): انار را با پیه آن بخورید چرا که معده را می پالاید و ذهن
را افزون می کند (۴)
انار شیرین مزاج سرد و تر دارد و انار ترش مزاجی سرد و خشک دارد. این
میوه که به تعبیر پیامبر خدا (ص) مهتر میوه هاست باز کننده انسداد،
مدر ادرار و نفاخ بوده برای تقویت کبد و طحال درد سینه و سرفه گرم
گرفتگی صدا و خارش کمفید است. در گرم مزاجان موجب تقویت نیروی
جنسی است، خوردن انار با تمام فوایدی که دارد بعد از غذا باعث فساد
غذا و ضعف معده می شود و مصرف آن برای بیماران تب دار مضر است...

پی نوشت:

المحاسن جلد دوم صفحه ۲۵۹/مکارم الاخلاق جلد اول صفحه ۳۷۱/الکافی جلد ششم صفحه ۲۵۲/همان

خدایا تو را حمد
می گوئیم، حمد
و سپاسی که
تاریکی های
برزخ را روشن
می گرداند.

اگر میان هر شیء
واسطه و فاصله شود
«برزخ» نامیده می
شود. راغب اصفهانی
در مفردات می
نویسد: «حدود
فاصله بین دو چیز
را برزخ گویند و از
این جهت به فاصله
مرگ، قیامت نیز
برزخ گفته شده
است».^۱
از آیات و روایات
چنین استنباط می
شود که انسان پس

از مرگ، یکباره وارد
جهان اخروی نمی
شود، بلکه وقوع
«قیامت کبری»
همراه با یک سری
انقلاب ها و
دگرگونی ها در کل
نظام هستی و
موجودات جهان
است. البته تصور
نشود که در فاصله
مرگ تا قیامت،
انسان ها در
خاموشی، بی حسی
و بی حیاتی به سر
می برند، بلکه در
فاصله بین دنیا و
قیامت عالمی به
مراتب برتر از دنیای
کنونی هست که
دارای حیات همراه
با لذت و سرور برای
نیکوکاران و رنج و

اندوه برای بدکاران
است. عالم واسطه
ی بین دنیا و
آخرت «برزخ» نام
دارد. «عالم برزخ»
نسبت به آخرت
(قیامت بزرگ)،
«قیامت کوچک»
نامیده می شود. از
این رو در روایات
آمده است: امام
سجاد(ع) فرمودند:
«مرگ آغاز قیامت
است، هرکس
بمیرد، قیامتش برپا
می شود».^۲
تنها آیه ای که از
نظر لفظ و معنی،
کاملاً تصریح دارد
به این که انسان
پس از مرگ- و
قبل از فرا رسیدن
قیامت- دارای نوعی

زندگی است و در
آن عالم به خاطر
جبران گناهانش
درخواست بازگشت
می کند و از کرده
خویش اظهار
ندامت می نماید،
اما دست رد به
سینه اش زده می
شود و او را در
همان عالم (برزخ)
محبوس می دارند.
آیه ی زیر می باشد:
«[کافران در
فراموشی و غفلتند]
تا آنگاه که یکی از
آن ها را مرگ فرا
رسد [آگاه و
پشیمان گشته]
گوید: پروردگارا! مرا
به دنیا بازگردان!
شاید گذشته ام را
جبران کرده و

محبوبه کاظمی

برزخ

فردای جاویدان

آیات قرآن، مزرعه، تجارتخانه، دانشگاه، میدان تمرین و یا به تعبیر دیگر به منزله «عالم جنون» برای جهان دیگر است. (عالم برزخ محیط به این جهان سات مانند احاطه این عامل به رحم مادر بهتر از این نمی شود تعبیر کرد. اگر به بچه در شکم مادر بگویند در ورای این محل تو عالمی است که شکم مادر نزد آن هیچ است نیم تواند ادراک کند. همچنین برای ما محسوس بین هستیم شرح عوالم بعد قابل درک نیست چنانچه در قرآن مجید می فرماید هیچکس نمی داند چه برایش تهیه شده است).^۶ آخرت مرکز انوار الهی، دادگاه بزرگ حق و محل رسیدگی به حساب اعمال و جوار قرب و رحمت خداست. در اینجا این سؤال باقی می ماند که فلسفه «برزخ» چیست؟ در پاسخ به این سؤال می توان

شکم مادر [چنان به آن خو گرفته است که گویی عالم برتر و باصفا تر از آن نیست]، از این رو پس از پایان عمر آن جهان، با اکراه و سختی، همراه با ترس و گریه، دل از آن مکان می کند. پس از اندکی که با این جهان انس گرفت، دیگر میل بازگشت به وطن نه ماهه خویش را ندارد. مؤمن نیز چنان به دنیا خو گرفته است که دل کندن از آن برایش سخت و مرگ بر او ناپسند است، اما پس از مرگ وقتی چشمش به جمال نعمتهای فرحبخش و دل انگیز برزخی روشن شد به هیچ وجه حاضر نیست به وطن چند ده ساله خویش بازگردد.^۵

فلسفه برزخ

فلسفه زندگی دنیا به خوبی روشن است، چرا که محل امتحان و آموختن و پرورش و تحصیل کمالات علمی و عملی برای عالم دیگر است، دنیا به تعبیر روایات اسلامی و بعضی از

تمامیت عقاب یا پاداش نیست، بلکه بخشی از آن است. (باغی از باغ ها و حفره ای از حفره ها)

عالم مثال (برزخ)، برزخی است میان موجودات مادی دنیا و موجودات مجرد آخرت، یعنی مانند این عالم ماده نیست، لیکن به صراحت مجرد آخرت هم نمی باشد با اندکی ژرف اندیشی در آیات و روایات متوجه می شویم بدون حیات برزخی دوباره مردن و دوباره زنده شدن امکان ندارد و هر انسانی قبل از وقوع قیامت کبری در این عالم بسر می برد و نمونه ای از پاداش و کیفر اعمال خود را می بیند. این بحث را با فرموده ای از پیامبر (ص) به پایان می بریم:

پیامبر گرامی اسلام (ع) با تعبیری بسیار زیبا و دقیق دنیا و برزخ را چنین تشبیه می نمایند: «مثال مؤمن در دنیا مثل جنین است در

کارهای نیک انجام دهم! [به او خطاب شود] هرگز! آنچه می گویی، اینک بی فایده است و از لحظه ی مرگ تا روزی که برانگیخته شوند، «برزخ» و فاصله است».^۳

امام سجاد(ع) برزخ را در آیه بالا چنین تفسیر می فرمایند: «برزخ، همان عالم قبر است که در آن جهان [برای کفار و گنهکاران] زندگی بسی سخت و دشوار است. سوگند به ذات هستی بخش که همانا قبر [برای نیکوکاران] همچون باغی است از باغستان های بهشت و [برای بدکاران] همچون گودالی از گودال های آتشین جهنم است».^۴

ملکات اخلاقی انسان طبق صریح آیات و روایات به صورت های متناسبی در عالم برزخ تجسم می یابند آنچه که برای انسان (چه صورت های دردناک و چه صورت های لذت بخش) در این عالم رو می نماید،

گفت که فلسفه عالم برزخ که در میان دنیا و آخرت قرار گرفته مانند فلسفه هر مرحله ی متوسط دیگر است، زیرا انتقال از محیطی به محیط دیگر که از هر نظر با آن متفاوت است، در صورتی قابل تحمل خواهد بود که مرحله ی میانه ای وجود داشته باشد. مرحله ای که بعضی از ویژگی های مرحله اول و پاره ای از ویژگی های مرحله دوم در آن جمع باشد.^۷ از این گذشته از روایاتی استفاده می شود که در برزخ پاره ای از کمبودهای تعلیم و تربیت افراد مؤمن جبران می گردد، درست است که آن جا جای انجام عمل صالح نیست، ولی چه مانعی دارد که محل معرف بیشتر و آگاهی افزون تر باشد؟ در همین رابطه حدیثی از امام سجاد(ع) نقل می کنیم که ایشان فلسفه برزخ را در آن به خوبی توضیح داده اند:

«هر کس از دوستان و پیروان ما بمیرد و هنوز قرآن را به طور کامل فرا نگرفته باشد در قبرش به او تعلیم می دهند، تا خداوند بدین

وسیله درجاتش را بالا ببرد چرا که درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است به او گفته می شود بخوان و بالا رو، او می خواند و (از درجات بهشت) بالا می رود».^۸

پی نوشت :

۱- معجم مفردات الفاظ قرآن کریم / راغب

اصفهانی / ص ۴۱

۲- المحجه البيضاء / ملا محسن فیض

کاشانی / ج ۸ / ص ۲۹۷

۳- مومنون / آیات ۹۹-۱۰۰

۴- بحار الانوار / علامه مجلسی / ج ۶ / ص

۲۱۴

۵- المحجه البيضاء / ملا محسن قیض

کاشانی / ج ۸ / ص ۲۹۹

۶- معاد / سید عبدالحسین دستغیب / ص

۵۲

۷- پیام قرآن (تفسیر موضوعی قرآن) / ناصر

مکارم شیرازی / ج ۵

۸- اصول کافی / شیخ کلینی رازی / ج ۱۲

ص ۶۰۶



مشاوره

در این قسمت از سایت مدرسه می توانید سوالات خود را در رابطه با محورهای خانواده، تربیت فرزند، ازدواج و مباحث اعتقادی مطرح و مشاوره رایگان دریافت نمایید. تاکنون مشاوران مدرسه به سوالات زیادی در مورد ازدواج، مهریه، چگونگی رفتار با ناهنجاری های کودکان و مسائل اخلاقی و اعتقادی پاسخ داده و در صورت تمایل افراد پاسخ ها بدون ذکر نام در سایت منتشر می گردد و در غیر این صورت به پست الکترونیک افراد ارسال می گردد.

سوال: فرزندی دارم که سال های بلوغ را پشت سر میگذارد و نسبت به شعائر دینی بسیار بی توجه است. حجاب را دوست ندارد و زمانی که به او برای رعایت امور دینی تذکر می دهم پرخاشگری می کند. چه کنم که هم به مسائل دینی علاقه مند شود و هم احساس نکند تحت فشار این مسائل را پذیرفته است؟



پاسخ مشاور:

در گام نخست سعی کنید با رفتار مناسب و محبت او را به خود راغب تر کنید و هرگز از دستور و اشارات مستقیم استفاده نکنید. در گام بعد ارتباط خود را با خانواده های متدین و همسالان خویش بیشتر کنید. برای بی توجهی اش به مسائل عبادی او را در جمع سرزنش نکنید و به جای تذکر های پی در پی از روشهایی الگویی استفاده کنید یعنی توجه به مسائل عبادی و حجاب را با عمل خود به او نشان دهید به عبارتی دیگر حجاب را برای خودتان لذت بخش جلوه دهید تا او هم یاد بگیرد که از حجاب لذت ببرد و قلمداد نکند که انسان با حجاب فقط محدود در یک مکان خاص است و در کنار حجاب خود از بسیاری از تفریحات و شادی ها محروم میشود. به او نشان دهید که یک فرد با حجاب می تواند بخندد، تفریح سالم داشته باشد، ورزش کند و در اجتماع فعالیت کند اما همه این ها منوط به رعایت موازین شرعی است تا از آسیب های روحی و جسمی مصون بماند در خصوص مواردی مثل نماز سعی نکنید او را جلو جمع توبیخ کنید یا مدام به او تذکر دهید شما با رفتار مناسب خود سعی کنید جلوه و جایگاه نماز را برای او ارتقا دهید، به او یاد آور شوید حضور خداوند در زندگی با جلوه هایی همچون رعایت نماز و حجاب و تقید به مسائل اعتقادی بارز تر می شود. به او پیشنهاد دهید حتی برای یک بار هم که شده این شیوه از زندگی را تجربه کند و بگذارد حلاوت شیرین با خدا بودن و رعایت امور دینی در جانش بنشیند.



گزارش

وجیهه کلیدری

خاطره ای که ماندگار است ...

۲۶

به گزارش روابط عمومی مدرسه علمیه اسلام شناسی ، مسئولین و اساتید و طلاب مدرسه علمیه اسلام شناسی همرا با سایر مردم انقلابی ایران در راهپیمائی ۲۲ بهمن حضور پر شوری خواهند داشت.

در همین خصوص مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها بیانیه ای صادر نمود که بدین شرح است:

در روزگاری که اربابان سلطه کرامت انسانی ملت ایران را پایمال منافع و خواست خود می نمودند، عالمی بزرگ و مرجعی عظیم، با رهبری مدبرانه و مقاومتی حسینی آیه "و نريد أن نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين" را به منصفه ظهور رساند و پرچمدار قیامی اسلامی شد که با همراهی اقشار مختلف جامعه، طومار ستمگران تاریخ را درهم پیچید...

این نهضت انقلابی و الهی در طول سه دهه، قلوب حقیقت جویان و آزادی خواهان را به سوی تعالیم الهی و انسانی اسلام، متوجه ساخت و امروز چون سه دهه گذشته ملت ایران بر خود می بالد که تحت زعامت سیدی فرزانه از تبار حیدر، الهام بخش جنبش های آزادی خواهی است که خواهان برقراری حکومت اسلامی هستند...

همچنانکه رهبر معظم انقلاب فرمودند: "الگوگیری و خیزش های امروز جوامع مظلوم، نشان دهنده این واقعیت است که دهه فجر امسال مهم، حساس و پرشورتر از گذشته می باشد"

در همین راستا مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها ضمن گرمی داشت یاد و خاطره شهدای انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی و تجدید میثاق با مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، از اساتید، طلاب علوم دینی و عموم مردم ولایت مدار و در صحنه، دعوت می کند، در ۲۲ بهمن امسال نیز با حضور پرشور خود بار دیگر استکبار ستیزی خود را به عرصه ظهور و بروز رسانند.

برگزاری همایش گنجینه تفسیری امام جعفر صادق علیه السلام:

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی همایش "گنجینه تفسیری امام جعفر صادق (ع)" را برگزار نمود. این همایش به همت معاونت پژوهشی مدرسه در راستای اشاعه فرهنگ قرآنی و تبیین مبانی تفسیری امام جعفر صادق علیه السلام با حضور حضرت آیت الله مومن (عضو محترم مجلس خبرگان رهبری و فقهای شورای نگهبان) حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد تقی دیباری (عضو هیئت علمی دانشگاه قم) سرکار خانم اعدادی مسئول دفتر امور خواهران و سرکار خانم ندیری معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، حاج آقای مسعودی ریاست دفتر تبلیغات اسلامی و حاج آقای موسوی ریاست بنیاد پژوهشگاه نهج البلاغه و جمع زیادی از طلاب و روحانیون معزز در روزی که بارش نزولات آسمانی و برف زمین را سفید پوش کرده بود در محل سالن همایش دفتر تبلیغات اسلامی مشهد برگزار شد.

پس از قرائت قرآن و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی دیباری بیدگلی در رابطه با عظمت و اهمیت مباحث این همایش سخن گفته و جایگاه امام صادق علیه السلام را در روایات تفسیری تبیین نموده و افزودند فقه اسلامی با قال الصادق و قال الباقر شکل گرفته است و عصر امام صادق (ع) را عصر جنبش فرهنگی فکری نامیدند و سرآغاز دانش تفسیر، قرائت قرآن، فقه کلام، طب، نجوم و بسیاری از علوم متعدد کلامی و طبیعی را از زمان ایشان دانستند.

در ادامه دبیر همایش و ریاست مدرسه علمیه اسلام شناسی سرکار خانم صدیقه مقدسی پس از خیر مقدم به مدعوین و اساتید هدف از برگزاری این همایش را تدوین گنجینه ارزشمند تفسیری امام جعفر صادق علیه السلام و بررسی مبانی فقهی کلامی ولایت فقیه در تفسیر امام صادق (ع) بر شمرند که در تحکیم مبانی نظری و عملی مسلمانان در این زمینه به عنوان یک منبع مهم تلقی می شود و خاطر نشان کردند این همایش همه ساله در ایام ولادت امام صادق (ع) برگزار خواهد شد و انشاء الله در صدد تدوین مجموعه ای در خور ارزشمند از آرای تفسیری امام صادق (ع) در زمینه های کلامی فقهی و اخلاقی خواهیم بود.

سپس حضرت آیت الله مومن پیرامون مسأله ولایت فقیه و شان منزلت آن سخنانی ایراد فرموده و خاطر نشان کردند؛ مسأله ولایت فقیه مسأله مظلومی است و اکثر فقهای ما از مقام و شأن ولایت فقیه آگاهی ندارند. ایشان لزوم تبیین مسأله ولایت فقیه را برای طلاب امری ضروری دانستند و فرمودند باید طلاب ما پس از اتمام دوره رسائل و مکاسب یک دوره ۷-۸ ساله را در این زمینه بگذرانند تا کاملاً این مسأله برای ایشان تبیین گردد و از ادله لازم مطلع گردند سپس به اثبات ولایت رسول الله، امام علی (ع) در روز غدیر و ولایت ائمه معصومین و در عصر غیبت ولایت فقیه پرداختند و با توجه به ذیق وقت تبیین مسأله را نیازمند ساعتها بحث و بررسی دانستند.

و در انتهای این همایش از دو جلد کتاب با عنوان "کتاب مقالات برگزیده فاطمه (س) تجلی ولایت و کتاب "شادی و نشاط در آموزه های دینی" رونمایی شد و مورد تحسین حضرت آیت الله مومن قرار گرفت.

این مراسم شنبه ۱۳۸۹/۱۱/۳۰ ساعت ۹ الی ۱۱:۳۰ در سالن همایش سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد.





پادزهوی برای فتنه

مریم شکری

از آنجا که یکی از علل پیدایش فتنه در جامعه ی اسلامی، ضعف اخلاقی افراد برای خشکانیدن ریشه های فتنه است ضروری است اخلاق اسلامی در همه سطوح و ساحت های زندگی مردم ترویج شود و نظام جامع اخلاقی و رفتاری انسان مسلمان تدوین و عملیاتی شود. پس باید اخلاق اجتماعی، اخلاق سیاسی، اخلاق علم اندوزی، اخلاق نقد، اخلاق جنسی، اخلاق خانواده، اخلاق معاشرت، اخلاق شهروندی و امثال آن همگی براساس مبانی اسلامی و به شیوه ای کاربردی برای سطوح مختلف تدوین شود و محور فعالیت های تعلیم و تربیت قرارگیرد. بطور مثال تأمین روابط سالم جنسی در جامعه که یکی از راههای مقابله با فتنه است ترویج ازدواج موجب می شود که دشمنان نتوانند از راه انحراف های جنسی، نسل جوان را در استخدام و اختیار خود در آورند.^۱

اگر فتنه گران از راه ایجاد بدعت در دین کار خود را در پیش می برند، پس راه مبارزه با آن و خشک کردن ریشه های وقوع فتنه تقویت بنیه های اعتقادی و دینی مردم است.

یکی از مهمترین برنامه های نظام اسلامی باید تقویت بنیه های اعتقادی و دینی مردم باشد و اگر در خدانشناسی مردم ضعف وجود داشته باشد به تبع آن این ضعف در سطحی شدیدتر در دین شناسی و پیامبر شناسی افراد نمایان خواهد شد. و به تبع آن به صورتی قوی تر و مخرب تر در امام شناسی نمود پیدا می کند و در نهایت و به طریق اولی و به شکل شدید تر و عمیق تر در اعتقاد به ولایت فقیه و نظام مردم سالاری دینی را نیز در پی خواهد داشت. در چنین صورتی نباید از مردم انتظار داشت از روی اعتقاد دینی خود از حکومت اسلامی و نظام ولایبی و مردم سالاری دینی دفاع و در راه حفظ نظام، جانفشانی نمی کنند و از ایثار جان و مال و نظام در راه دفاع از این نظام دریغ نداشته باشند.^۲

این حقیقتی است که به اثبات و ارائه شاهد نیاز ندارد. حضرت امام خمینی در این خصوص اشاره می کنند: این ها که خون دادند، جوان های ما که به خیابان ریختند، بانوان ما که به خیابان ریختند... باید دید که این ها... ذاقشان و مسلکشان دموکراتیک بود؟... ملت ما که خون خودش را ریخت و فریاد کرد الله اکبر و فریاد کرد جمهوری اسلامی، اسلام این ها را وادار کرد به یک همچون جانبازی و خونریزی و فدایی دادن، یا آن معنایی که شوروی ها می خواهند؟ آن ها هم جمهوری اند... آنی که این نهضت را پیش برد، آنی بود که می گفت من شهادت را فوز می دانم. شهادت را برای دموکراتیک فوز می دانند؟!... ما خون دادیم برای آن جمهوری؟ ما خون دادیم برای جمهوری غرب؟ ما برای اسلام خون دادیم، جوان های ما برای اسلام خون دادند...^۳

بنابراین برای دفاع از نظام اسلامی در برابر فتنه ها و شبهه ها، لازم است همواره و در همه سطوح تأثیر گذارد و در جامعه، به ویژه در مدارس و دانشگاه ها و حوزه های علمیه، برنامه هایی برای تقویت بنیه های اعتقادی و تعمیق جهان بینی اسلامی وجود داشته باشد.



تهیه طرح های جامع تعلیم و تربیت اسلامی:

گسترده‌گی دانشگاه‌ها
میلیون‌ها دانش
مدارس مشغول
گفتن درباره‌ی
جامع در حوزه‌ی
نیاز می‌کند. تعداد
که بخش زیادی از
دانشگاه‌ها می
آموزش و پرورش آنان
پرداخته‌شود.
اگر به منابع درسی



وطیف وسیع دانشجویان و
آموزی که سالانه در
تحصیل‌اند، ما را از سخن
ضرورت داشتن طرحی
تعلیم و تربیت اسلامی بی
عظیم نوجوانان و جوانانی
عمر خود را در مدارس و
گذرانند، ایجاب می‌کند به
به صورتی جدی‌تری
و آموزشی توجه نشود و

مدارس و دانشگاه‌های ما به ویژه در رشته‌های علوم انسانی صرفاً جای جولان نظریه‌های غربی و سکولار باشد، باید هر زمان انتظار وقوع فتنه‌های بزرگی را داشت.^۴

آری اگر کسی در باورهای خود به یک موضوع دچار تردید شود، پای او به میدان عمل باز نمی‌شود و اگر ما نظام تعلیمی و تربیتی خود را مورد بازنگری جدی قرار ندهیم، دیری نمی‌پاید که جامعه ایمانی ما از درون تهی خواهد شد.

ایجاد روحیه‌ی حقیقت‌شناسی:

اگر یکی از شرایط و بسترهای پیدایش فتنه، شخصیت محوری به جای حقیقت محوری باشد پس یکی از راههای مبارزه با آن ترویج روحیه‌ی حقیقت محوری است.

ارباب فرهنگ باید تلاش کنند تا این روحیه را در مردم ایجاد کنند که ضمن شناخت حقیقت، آن را معیار سنجش عملکرد افراد قرار دهند. درست است که برای برخی از یاران امام علی (ع) وجود عمار در سپاه امام، معیار حقیقت راه امام بود و نشانه‌ی دستی رفتارشان، اما روشن است که در همه‌ی روزگاران نمی‌توان عمار را معیار حقیقت دانست اکنون عمار وجود ندارد تا بتوان با ردیابی او حقیقت را شناخت. در این روزگار باید به دنبال شناخت خود حقیقت بود. معیار حقیقت را باید شناخت تا از دام فتنه و فریب‌رهای یافت، البته روشن است که تزریق چنین روحیه‌ای میان مردم کاری زمان‌بر و بسیار حرفه‌ای و هنرمندان است و این وظیفه‌ای است که در روزگار

حاضر بیش از هر زمان دیگری بر دوش همه دلسوزان اسلام و فرهنگ و نظام اسلامی سنگینی می کند.^۵

امام علی (ع) در توصیف جنگ با اهل قبله و شرایط مبارزان چنین جنگی می فرمایند:

«قد فتح باب الحرب بینکم و بین اهل القبلة و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و البصر و الصبر و العلم بمواضع الحق»^۶

میان شما و اهل قبله در جنگ گشوده شد و این علم را بر ندارد مگر آنکه بینا و شکیب است و داند که حق در کجاست.

تقویت دانش دشمن شناسی:

عالمان اخلاق تأکید می کنند هر انسان برای اخلاقی زیستن نیازمند دو نوع آگاهی است آگاهی از خوبی ها و آگاهی از بدی ها. هرکسی باید خوبی ها را بشناسد تا بدان ها عمل نماید و بدی ها و ردیلت ها را نیز تشخیص دهد تا از آن ها دوری کند. به همین می توان گفت یکی از راههای مبارزه با فتنه ها تقویت دانش دشمن شناسی است.

تأکید حضرت امام خمینی (ره) و رهبری معظم انقلاب بر این که اگر دشمنان و رادیو های بیگانه به امری تشویق کردند، مردم باید خلاف آن را عمل نمایند و اگر از فردی یا جریانی دفاع کردند، مردم باید حساسیت ویژه ای به آن ها داشته باشند، حاکی از همین حقیقت است دشمنان و بیگانگان هرگز خیر و صلاح جامعه ی اسلامی و مردم مسلمان را نمی خواهند. آنان بدنبال منافع و هدف های شیطانی خود هستند.

امام علی (ع) نیز بر این واقعیت تأکید می کنند که هرگز به حقیقت و سعادت دست نمی یابید مگر آنکه روی برتافتگان از راه حق و درماندگان از سعادت را بشناسید:

«واعلموا انکم لن تعزموا الرشد حتی تعرفوا الذی ترکم و لن تأخذوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نقضه ولن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی نبذ»^۷

بدانید که تا واگذارنده رستگاری را نشناسید، رستگاری را نخواهید شناخت و تا شکننده پیمان قرآن پیمان استوار نخواهید ساخت و تا واگذارنده قرآن را به جای نیاورید، در قرآن چنگ نتوانید انداخت.

پی نوشت :

۱- شریفی، احمد، موج فتنه، ص ۱۶۵

۲. شریفی، احمد، موج فتنه، ص ۱۶۶

۳. همان، ج ۱۱، ص ۱۱۰

۴. شریفی، احمد، موج فتنه، ص ۱۷۰

۵. احمد، شریفی، موج فتنه، ص ۱۷۱

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳

۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

این قسمت از سایت شامل سه بخش شعر، قطعه ادبی و داستان کوتاه میباشد. در این قسمت طلاب اهل قلم می توانند آثار خود را درزمینه های فوق به آدرس الکترونیکی مدرسه ارسال نمایند تا پس از ارزیابی در سایت منتشر گردد تا کنون اشعار بزرگان و داستان های متعددی در این قسمت در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

داستان کوتاه

گفتگوی کودک با خدا

کودکی که آماده تولد بود نزد خدا رفت و از او پرسید:
می گویند فردا شما مرا به زمین می فرستید، اما من به این کوچکی وبدون هیچ کمکی چگونه می توانم برای زندگی به آنجا بروم؟
خداوند پاسخ داد: در میان تعداد بسیاری از فرشتگان، من یکی را برای تو در نظر گرفته ام، او از تو نگهداری خواهد کرد. اما کودک هنوز اطمینان نداشت که می خواهد برود یا نه، گفت: اما اینجا در بهشت، من هیچ کاری جز خندیدن و آواز خواندن ندارم و این ها برای شادی من کافی هستند.
خداوند لبخند زد: فرشته تو برایت آواز خواهد خواند و هر روز به تو لبخند خواهد زد تو عشق او را احساس خواهی کرد و شاد خواهی بود.
کودک ادامه داد: من چگونه می توانم بفهمم مردم چه میگویند وقتی زبان آنها را نمی دانم؟...
خداوند او را نوازش کرد و گفت: فرشته تو، زیباترین و شیرینترین واژه هایی را که ممکن است بشنوی در گوش تو زمزمه خواهد کرد و با دقت و صبوری به تو یاد خواهد داد که چگونه صحبت کنی.
کودک با ناراحتی گفت: وقتی می خواهم با شما صحبت کنم، چه کنم؟
اما خدا برای این سوال هم پاسخی داشت: فرشته ات دست هایت را در کنار هم قرار خواهد داد و به تو یاد می دهد که چگونه دعا کنی.
کودک سرش را برگرداند و پرسید: شنیده ام که در زمین انسان های بدی هم زندگی می کنند، چه کسی از من محافظت خواهد کرد؟
فرشته ات از تو مواظبت خواهد کرد، حتی اگر به قیمت جانش تمام شود.
کودک با نگرانی ادامه داد: اما من همیشه به این دلیل که دیگر نمی توانم شما را بینم ناراحت خواهم بود.
خداوند لبخند زد و گفت: فرشته ات همیشه درباره من با تو صحبت خواهد کرد و به تو راه بازگشت نزد من را خواهد آموخت، گر چه من همیشه در کنار تو خواهم بود
در آن هنگام بهشت آرام بود اما صداهایی از زمین شنیده می شد.
کودک فهمید که به زودی باید سفرش را آغاز کند.
او به آرامی یک سوال دیگر از خداوند پرسید:
خدایا! اگر من باید همین حالا بروم پس لطفاً نام فرشته ام را به من بگوئید...
خداوند شانه او را نوازش کرد و پاسخ داد:
نام فرشته ات اهمیتی ندارد، می توانی او را ... *** مادر *** صدا کنی....

مخبر!



برگزاری کلاس ادیان با دعوت از بانوی تازه مسلمان



معاونت آموزشی مدرسه علمیه

اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها در جلسه ای که برای طلاب درس ادیان برگزار نمود از خانم رخساره شمس الدین که چند سالی است که به دین مبین اسلام مشرف شده است دعوت به عمل آورد.

در این جلسه که با حضور طلاب کلاس ادیان و عموم طلبه های علاقمند برگزار شد خانم شمس الدین ضمن معرفی خود از زمینه های تشرف به دین اسلام و از انگیزه هایش صحبت نمود و سپس به سئوالات طلاب مدرسه در خصوص دین مسیحیت و دلایل گرایش به دین اسلام جواب داد ایشان در پاسخ به سؤال یکی از طلاب در خصوص **اولین زمینه مواجهه شما با دین اسلام در کجا و توسط چه کسی بوده است؟**

گفت: در ۱۸ سالگی برای شرکت در دانشگاه به دنبال یادگیری زبان های مختلف بودم برای یادگیری زبان فارسی به موسسه ای رفتم که متوجه شدم استاد آن روحانی است و ۱۰ سال در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بوده ایشان در خلال صحبت هایش به مباحث اعتقادی اشاره می کرد و در روز میلاد حضرت مسیح (ع) جشنی برپا نمود و وقتی از چرایی کار سؤال کردم گفت که ما عیسی (ع) را به عنوان پیامبر قبول داریم نه پسر خداوند و این جمله برای من آغازی شد برای مطالعه در خصوص دین اسلام .

همچنین در پاسخ به این سؤال که **چه طور دین اسلام را برای دیگران معرفی می کنید؟** گفت: برای تعریف جایگاه اسلام این دین را در مقابل ادیان دیگر قرار نمی دهم به طوری که تعریف من از اسلام مستلزم کوچک جلوه دادن ادیان الهی دیگر در مقابل اسلام شود بلکه عظمت و جایگاه دین اسلام چنان رفیع است که تنها به بزرگی خود دین اسلام می پردازم و برای دیگران جایگاه و عظمت دین اسلام را در حد بضاعت کلام و اندیشه خود توضیح می دهم .

قابل ذکر است که این مراسم در سالن اجتماعات مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها در مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱ برگزار گردید.

مراسم هفته پژوهش با دعوت از حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای پژمانفر



همزمان با فرارسیدن هفته پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها به همت معاونت پژوهشی مدرسه اقدام به برگزاری مراسمی با حضور معاون آموزش و پژوهش

مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای پژمانفر نمود. این مراسم با حضور طلاب، اساتید و پژوهشگران مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها در روز شنبه ۲۰ آذرماه در ساعت ۹/۳۰ صبح برگزار شد

لازم به ذکر است نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی، نمایشگاه کتاب و نمایشگاه منابع دیجیتال اسلامی نیز در این هفته برپا می باشد .

آموزش باید پژوهش محور باشد

به مناسبت آغاز هفته پژوهش در مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها مراسمی با حضور حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای پژمانفر، معاون آموزش و پژوهش حوزه علمیه خراسان و جمعی از طلاب اساتید و پژوهشگران برگزار گردید.

در این مراسم حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای پژمانفر در خصوص پژوهش و نیازهای جامعه و وظایف حوزه های علمیه ایراد سخنرانی کردند. ایشان با بیان این مطلب که وظایف حوزه ها در پاسخگویی به مسائل مورد نیاز جامعه سنگین است فرمودند: بایستی حوزه های علمیه در باب موضوعاتی کار کنند که مشکلات، سئوالات و مقتضیات جامعه را لحاظ کند تا توان پاسخگویی به مشکلات و مسائل واقعی مردم فراهم شود.

همچنین متذکر شدند که کار پژوهش بایستی کار جمعی و گروهی باشد تا آثار با برکت تری داشته باشد و یک کار پژوهشی موفق باید نگاه عمومی داشته باشد و شرایط و مقتضیات مخاطبین را در نظر بگیرد معاون آموزش و پژوهش حوزه علمیه خراسان افزود: کار پژوهشی در حوزه ها بایستی ضمن کاربردی بودن در همه حوزه ها حرفی برای گفتن داشته باشد و منحصر به یک حوزه و مسئله خاص نشود.

ایشان اضافه کردند که کار پژوهش به یک مقطع زمانی محدود نمی شود و باید در دل آموزش حوزه ها جا باز کند و آموزش ما باید پژوهش محور باشد که این مهم میسر نیست جز از طریق تحول در نظام آموزشی ما در حوزه ها.

قابل ذکر است که همزمان با این مراسم نمایشگاه کتاب، نمایشگاه نرم افزار و نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی مدرسه به مناسبت هفته پژوهش آغاز به کار نمود .

برگزاری کارگاه آموزشی پنجاه نکته کلیدی در تدوین مقالات علمی

معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی به منظور ارتقا سطح طلاب، کارگاهی با محوریت " پنجاه نکته کلیدی پیرامون تهیه و تدوین مقالات علمی " تو سط جناب آقای دکتر رضایی کرمانی در هفته سوم بهمن ماه برگزار نمود. این کارگاه باحضور طلاب کلیه پایه های اول تا پنجم، فارغ التحصیلان در حال تدوین پایان نامه و طلاب سطح سه برگزار شد. برخی از اصول ذکر شده توسط ایشان برای تدوین نوشتار علمی پژوهشی؛ وضوح انگیزه نوشتار، درستی داده ها و اطلاعات، قوت و مبنای علمی در استدلال های مطرح شده، جامعیت نوشتار و ... بود

* همچنین خانم طالقانی معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی از برگزاری کلاسهای روشهای جمع آوری اطلاعات آموزش وبلاگ نویسی، آموزش استفاده از نرم افزارهای اسلامی و آموزش مهارتهای مطالعه در آغاز ترم تحصیلی جدید برای طلاب خبر داد .

مخبر!

اولین جلسه از سلسله جلسات هم‌اندیشی پیرامون فلسفه و حدود حجاب در مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.



در این جلسه که به همت معاونت فرهنگی مدرسه علمیه اسلام‌شناسی با حضور عموم طلاب و اساتید

برگزار شد، اساتید حوزه سرکار خانم‌ها زوارزاده، وطن‌باف و افضل‌ی به سئوالات طلاب در خصوص **حدود حجاب از منظر قرآن، روایات و سیره ائمه و جامعه‌شناسی** جواب دادند.

استاد سرکار خانم زوارزاده با بررسی آیات قرآنی و توضیح فتوای مراجع در خصوص بحث حجاب تأکید نمود که در این خصوص نباید تنها به یک آیه بسنده کنیم بلکه باید تمام آیات را در این زمینه در کنار هم بررسی نمائیم و سپس با توجه به آیات قرآنی و فتوای مرجع خود عمل نمائیم

استاد سرکار خانم وطن‌باف نیز در پاسخ به سئوالات مربوط به حدود حجاب به سیره ائمه و روایات اشاره کردند و گفتند ما باید برای تعیین حدود حجاب در کنار بررسی آیات قرآنی به سیره ائمه و بالخصوص زندگی دو بانوی بزرگ اسلام حضرت زهرا (س) و خانم زینب کبری (س) نیز که الگوی زن مسلمان در تمام دوران هستند توجه داشته باشیم استاد سرکار خانم افضل‌ی نیز که از زاویه جامعه‌شناسی و سلامت روانی جامعه به سئوالات جواب می‌دادند گفتند: تمام احکام الهی حکمت و فلسفه‌ای در بطن خود دارد حجاب نیز یکی از همین احکام است بنابراین باید با منطق و حکمت این حکم الهی را در خود نهادینه کنیم، بر زن مسلمان حجاب و رعایت حدود شرعی آن واجب شده است چون در این صورت هم خود زن و هم جامعه از آسیب و تخریب سلامت روان در امان می‌باشند در نظر بگیرید با ورود یک زن محجبه به جامعه که قائل به رعایت حدود شرعی در رفتار و گفتار خود می‌باشد، هم ذهن خود وی در پایان روز کاری اش از گناه خالی است و هم مردان جامعه که در برخورد با وی هستند ذهن شان درگیر نمی‌شود که این سلامت روانی به طور حتم در بلندمدت باعث تحکیم خانواده‌ها نیز می‌شود. در پایان مدیریت محترم مدرسه استاد سرکار خانم صدیقه مقدسی طلاب و اساتید را به کار مضاعف و تحقیق و تعمق در فلسفه حجاب دعوت نمودند.

برگزاری کلاس احکام و اخلاق برای مادران جوان خانواده کمیته امداد امام خمینی (ره)

بنا به درخواست اداره کل کمیته امداد امام خمینی (ره) از مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها برای اعزام مبلغ و استاد، سرکار خانم دهقان معاونت فرهنگی مدرسه علمیه اسلام‌شناسی و از اساتید اخلاق به مدت ۸ روز کاری برای مادران جوان خانواده بزرگ کمیته امداد جلسات اخلاق و احکام برگزار نمود این کلاس‌ها از تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۶ و در کانون ولایت واقع در خیابان سناباد برگزار شد.

برگزاری مسابقه کتابخوانی در مدرسه علمیه اسلام‌شناسی

چهارمین مرحله آموزش غیر حضوری کادر و اساتید در قالب مسابقه کتابخوانی با هدف ترویج فرهنگ کتابخوانی و تقویت بنیه علمی، اخلاقی و تبلیغی کادر، اساتید و مبلغین مدرسه علمیه اسلام‌شناسی برگزار شد. در این آزمون کتاب "ادب فنای مقربان" اثر آیت‌الله جوادی آملی منبع امتحانی بود این آزمون راس ساعت ۹ صبح مورخ ۸۹/۱۰/۲۶ در محل ساختمان تحصیلات تکمیلی مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها برگزار شد.

قانون !

آنچه باید بپذیریم

شکی نیست که نقش قانون در جامعه، نقشه راه برای رسیدن به خیر دنیا و آخرت برای انسان ها و اعضای جامعه مدنی است. در تفکر دینی و آئین محمدی ما مسلمانان، قانون جزء ذات دین و اعتقادات اسلامی است. چنانکه امام خمینی (ره) می فرماید: خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرم (ص) قوانینی فرستاد که انسان از عظمت آنها به شگفت می آید، اسلام برای همه امور قانون و آداب آورده است، برای انسان پیش از آنکه نطفه اش منعقد شود تا پس از آنکه به گور می رود، قانون وضع کرده است همان طوری که برای وظایف عبادی قانون دارد، برای امور اجتماعی و حکومتی، قانون و راه و رسم دارد. حقوق اسلام، یک حقوق مترقی و متکامل و جامع است، کتاب های قطوری که از دیر زمان، در زمینه های مختلف حقوقی تدوین شده از احکام قضا و معاملات و حدود و قصاص گرفته تا روابط بین ملت ها و مقررات صلح و جنگ و حقوق بین الملل عمومی و خصوصی، همگی شمه ای از احکام و نظامات اسلام است. (جلد ۴ رساله نوین ص ۸۵). بنابراین با توجه به قوانین و مقررات موجود در متون فقهی و اسلامی و حجم انبوه قوانین و آیین نامه ها و مقررات تقنینی، از دوره مشروطیت تا پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و نیز سی و دو سال بعد از پیروزی انقلاب آیا به نظر نمی رسد که باید توفقی کرد و یک رویکرد بزرگ را در قالب همایش و گردهمایی و تفکر و اندیشه مطرح کرد که برای اداره امور جامعه و توسعه سیاسی و اجتماعی و قضایی، قانون گرایی در درجه نخست اهمیت قرار می گیرد و قانون گذاری مؤخر بر قانون گرایی است؟! در سی و دو سال بعد از انقلاب اسلامی، ما به همان میزانی که برای قانون گذاری عمل کرده ایم و وقت و انرژی و هزینه گذاشته ایم، برای قانون گرایی و ترویج فرهنگ قانونمندی و عمل به قانون عمل نکرده ایم، و شرایط اجتماعی و فرهنگی و ... جامعه از این منظر، مطلوب نیست. بر اساس بینش قرآنی ما، همگی میل به خسران داریم مگر اینکه ایمان و باور قلبی به قانون داشته باشیم و عمل به قانون و رعایت خط و مرزهای قانونی در جامعه اعتقادی و ارزشی و اخلاقی باشد. نیم نگاهی به گذشته، کارنامه قابل قبولی به مردم، و به مسئولان، و متصدیان فرهنگ و اخلاق جامعه، نمی دهد. حجم پرونده های قضایی در دستگاه قضایی، بزهکاری های اخلاقی و اجتماعی، همگی نه از نداشتن قانون یا کمبود قانون، بلکه از عدم اعتقاد به جایگاه واقع قانون در جامعه است و نمی دانیم اگر امروز بخاطر خودمان قانون را شکستیم و آن را به سخره گرفتیم، دیر یا زود، فرهنگ، قانون گریزی، گریبان خودمان را خواهد گرفت و در نهایت متضرر واقعی از عدم اجرای قانون خودمان خواهیم بود. به راستی آیا وقت آن نرسیده است که در یک همایش ملی، صاف و صادق و به دور از گرایش های خطی و سیاسی و با دید تعادل اجتماعی، به آسیب شناسی روند قانون گذاری گذشته بنشینیم و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قانون گذاری گذشته را بر جامعه و بلعکس تبیین کنیم، ای کاش بجای پرداختن به روند قانون گذاری، به میزان تأثیر پذیری جامعه از قانون می پرداختیم و نشان می دادیم که رعایت قانون در جامعه اسلامی ما در مقایسه با سال های قبل در بعد فردی و جمعی، اخلاقی و ارزشی است؟